

تأثیر قدرت سیاسی بر سیر تحول سیاست‌نامه‌نویسی ایرانی: از قرن پنجم تا فروپاشی صفویه

فرزاد محمدپور تهمتن*

بهروز دیلم صالحی**

کمال پولادی***

چکیده

سیاست‌نامه‌نویسی، مهم‌ترین هنر نگارش و اندیشه‌ورزی سیاسی در سرتاسر تاریخ تمدن ایرانی بوده است. این هنر، زمینه نگارش متون مهمی را در دوره‌های حکمرانی حاکمان مختلف فراهم کرده که هدف آن‌ها ایجاد، استقرار، و دوام حکومت در چارچوب مبانی معرفتی ویژه نویسنده سیاست‌نامه در بستر تاریخی خاص خود و نیز مبتنی بر چگونگی ادراک سیاست‌نامه‌نویس از اوضاع زمانه‌اش

* دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد چالوس، مازندران، ایران
(f-mohammad-t@yahoo.com)

** (نویسنده مسئول) استادیار علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد چالوس، مازندران، ایران
(behrooz-daylamsalehi@yahoo.com)

*** استادیار علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد چالوس (kamal-pouladi@gmail.com)

تاریخ تصویب: ۱۳۹۹/۵/۱۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۲/۲۱

پژوهشنامه علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهارم، پاییز ۱۳۹۸، صص ۱۸۴-۱۶۳

بوده است. اما مهم‌ترین بحث در مورد نگارش سیاست‌نامه‌ها، تأثیرپذیری این آثار و متون از قدرت سیاسی است. این تأثیرپذیری، به شکل‌های گوناگونی نقش و کارکرد خود را بر روندهای تحول در سیاست‌نامه‌نویسی ایرانی در دوران اسلامی به‌جای گذاشته است. با توجه به این وضعیت، در مقاله حاضر تلاش کرده‌ایم به این پرسش پاسخ دهیم که قدرت سیاسی چه تأثیری بر سیر تحول سیاست‌نامه‌نویسی ایرانی از قرن پنجم به‌این‌سو، تا پایان حکمرانی امپراتوری صفویه داشته است؟ یافته‌های پژوهش نیز نشان می‌دهند که قدرت سیاسی، نه تنها بسترساز نگارش سیاست‌نامه شده است، بلکه خارج از دایره قدرت سیاسی دوران مورد مطالعه، اصولاً نمی‌توان سراغی از سیاست‌نامه‌نویسی گرفت؛ بنابراین، سیاست‌نامه‌نویسی در چارچوب دایره قدرت سیاسی حاکم در این دوران قرار دارد.

واژگان کلیدی: سیاست‌نامه، قدرت سیاسی، مشروعیت، عدالت، سلطنت

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

از دوران ایران باستان، یکی از متونی که در حوزه سیاست نگاشته می‌شد، اندرزنامه، اندرزبد، یا به تعبیر دوره اسلامی، سیاست‌نامه، سیرالملوک، یا شریعت‌نامه بود. هدف کلی از نگارش این سیاست‌نامه‌ها، تعیین چگونگی رفتار مناسب در زندگی سیاسی در راستای حفظ قدرت بود (یوسفی‌راد، ۱۳۸۷: ۲۴۴). سیاست‌نامه‌ها، نوعی یادآوری و پند و اندرز به پادشاهان در مورد عدل، راستی، مردم‌داری، دین‌داری، و زندگی مناسب با سپهر طبیعت بوده تا نظام سیاسی از مسیر حق و عدالت خارج نشده و به دام ظلم و ستم آلوده نشود (غرایاق زندی، ۱۳۹۶: ۱۶۳). نویسندگان چنین متونی در ایران پیش از اسلام، به «اندرزنامه‌نویسان» و در دوره اسلامی به «سیاست‌نامه‌نویسان» معروف شدند (رجایی، ۱۳۷۳: ۲۱). در واقع، سیاست‌نامه‌ها یا اندرزنامه‌های سیاسی، از حوزه‌های مهم فکری به‌شمار می‌آیند که در تاریخ ایران، پیش و پس از اسلام، بسیار به آن‌ها توجه شده و آثار چشمگیری هم داشته‌اند (قادری، ۱۳۹۸: ۱۸۱). از دید تاریخی نیز اندیشه‌های سیاسی با این مضمون در جهان اسلام، زاده شرایط سیاسی-اجتماعی هر دوره و از همین رو، یکی از ویژگی‌های بنیادین آن نیز توجه‌گری سیاسی در درون بوده است. البته این، ویژگی کلی همه سنت‌های فکری سیاسی نبوده است، ولی روی هم رفته، این گونه اندیشه‌های سیاسی، در خدمت قدرت سیاسی بوده‌اند. به سخن دیگر، در تاریخ جوامع اسلامی، عمل سیاسی همواره بر اندیشه سیاسی برتری داشته است و نظام‌های سیاسی برای توجه خود، نیازمند شالوده فکری و سیاسی بوده‌اند. اندیشه‌های سیاسی مربوط به اهل سنت، یعنی شریعت‌نامه‌ها، نیز همگی این ویژگی را داشته و در واقع، کارکرد اساسی آن‌ها، توجه‌گری بوده است (یوسفی‌راد، ۱۳۸۳: ۶۵).

از همین نگاه است که در فلسفه سیاست دوره قدیم، محور اصلی نظریه‌های

سیاسی، شخص حاکم، ویژگی‌ها و شرایط او، و نیز چگونگی حفظ قدرت و ابزار و روش‌های آن بود. پاسخ به چنین پرسشی، ذهن فیلسوفان را به خود مشغول کرد که چگونه مدینه فاضله خود را شکل دهند و افراد جامعه، چگونه و با چه شرایطی به سعادت حقیقی برسند؛ آن‌گاه آنان فلسفه سیاسی خود را برای رسیدن به نظم مطلوب ترسیم می‌کردند. همچنین، در پاسخ به این پرسش، آن‌هایی که دغدغه‌شان نه دستیابی به مدینه فاضله، که ارائه شیوه‌های حفظ قدرت از طریق رعایت اصول و آداب ملک‌داری بود نیز به اندیشه‌ورزی پرداختند. توجه به این مسئله موجب شد که نهاد شاهی، به‌مثابه مرجعی که باید حکومت به آن واگذار شود، مرکزیت یابد. با چنین رویکردی، بهره‌گیری از الگوهای پاسخ‌گویی به این پرسش‌ها می‌تواند پرتوی بر برخی زوایای پنهان ارتباط قدرت سیاسی و سیاست‌نامه‌نویسی بیفکند. در این پژوهش، با استفاده از چارچوب نظری هرمنوتیک/سکینر که یکی از روش‌های تفسیر و فهم متون و اندیشه‌های سیاسی نیز هست - به واکاوی این مسئله در اندیشه‌های سیاست‌نامه‌نویسان دوره میانه خواهیم پرداخت و برای پاسخ‌گویی به آن، زوایای گوناگون اندیشه‌های برخی از سیاست‌نامه‌نویسان این دوره را تجزیه و تحلیل خواهیم کرد.

۱. پیشینه پژوهش

پژوهشگران و اندیشمندان مختلف، مطالعات فراوانی را درباره زندگی و اندیشه‌های سیاست‌نامه‌نویسان تاریخ ایران انجام داده‌اند که در ادامه به تعدادی از مهم‌ترین آن‌ها اشاره خواهیم کرد.

نگین یاور، در یکی از آثار خود با عنوان «اندرز به سلطان؛ نصیحت و سیاست در اسلام قرون میانه»، روش مطالعه در تاریخ اندیشه سیاسی را از بنیان متحول کرده و لزوم توجه به مسیرهای گوناگون تاریخی و واقعیت‌های سیاسی حاکم را در برداشت لیبرال از جهان مدرن، به‌اثبات رسانده است. این اثر، پژوهش بسیار بدیعی درباره شباهت‌ها و همسانی‌های اندرزنامه کلاسیک و قرون میانه و افق تازه‌ای در بررسی سنت غنی و پیچیده اندیشه سیاسی است. نوشته یادشده، بر این فرض استوار است که بازسنجی آرای سیاسی این دوره از تاریخ و فراز و فرود این آرا و اندیشه‌ها در قرن‌های بعدی، تلقی امروزی ما را از پیوند تاریخ مدرن با دو

روایت کلانی که از تاریخ اندیشه سیاسی در دست است (یکی غربی و دیگری اسلامی) متحول خواهد کرد (یاوری، ۱۳۹۷).

نرگس تاجیک نشاطیه در مقاله‌ای با عنوان «خوانش تفسیری اخلاق محسنی به‌مثابه اندرزنامه سیاسی عصر تیموری» به بررسی و تفسیر اندرزنامه‌های سیاسی با تمرکز بر اخلاق محسنی (با توجه به بستر تاریخی آن) به‌شکل مطالعه‌ای میان‌رشته‌ای پرداخته است. این نویسنده، در چارچوب درهم‌تنیدگی اندیشه سیاسی و تاریخ، اندرزنامه سیاسی را به‌عنوان قوی‌ترین جریان اندیشه سیاسی در تاریخ ایران، منبع خوبی برای نسبت‌سنجی اخلاق و سیاست در دوره‌های مختلف تاریخی می‌داند (تاجیک نشاطیه، ۱۳۹۴).

آن لمبتون در اثری با عنوان «تداوم و تحول در تاریخ میانه ایران»، بر آن است که عناصر تداوم و تحول را در وجوه مختلف تاریخ سلجوقیان بزرگ، خوارزمشاهیان، و ایلخانان نشان دهد. او بر این نظر است که نباید این دو عنصر را در تقابل و تباین شدید با یکدیگر قرار داد، زیرا در سرتاسر دوره موردبحث، تداوم پایا وجود داشته است. لمبتون در این اثر، عناصر تداوم و تحول را در بعضی از نهادهای دیوانی، حقوقی، و اقتصادی — که کم‌وبیش با هم در ارتباط بوده‌اند — پی می‌گیرد و ترکیب‌بندی گروه‌هایی که بر این نهادها تسلط داشتند و عامل مهمی در تحول و تداوم به‌شمار می‌رفتند را ارزیابی می‌کند. هدف او، بررسی جنبه‌های محیطی‌ای است که در چارچوب آن، انسان‌ها در پی حفظ و اشاعه حیات فرهنگی و معنوی خود در تاریخ میانه ایران بوده‌اند (لمبتون، ۱۳۹۲).

سید جواد طباطبایی در اثری با عنوان «درآمدی فلسفی بر تاریخ اندیشه سیاسی در ایران»، به سه جریان عمده اندیشه سیاسی در دوره اسلامی اشاره کرده و بر این نظر است که هریک از اندیشه‌پردازان اسلامی، در یکی از این سه مقوله (فلسفه سیاسی، سیاست‌نامه‌نویسی، و شریعت‌نامه‌نویسی) گنجانده می‌شوند. وی بر این نظر است که اندیشه‌ورزی در عالم سیاست، تنها معلول آسیب‌ها و بی‌نظمی‌های موجود در بطن جامعه بوده و اندیشمندان، همواره در پی اصلاح و امور جامعه بوده است. در مورد اینکه سیاست‌نامه‌ها اصالتاً به کدام حوزه فکری وابسته بوده‌اند، اختلاف نظر وجود دارد.

تحلیل این است که سیاست‌نویسی در جهان اسلام، در ادامه سنت اندرزنامه‌نویسی در

اندیشه سیاسی ایرانیان پیش از اسلام بوده است. طباطبایی، مدافع اصلی این نظریه است و به نظر او، این موضوع به دو دلیل اهمیت دارد؛ به لحاظ تحول تاریخی ایران از این حیث که بنیان اندیشه سیاسی بر تأمل در دوره‌های تاریخی استوار است. دوم، از دیدگاه تاریخی اندیشه سیاسی و تداوم منطق درونی حاکم بر گفتار (گفتمان) سیاسی (طباطبایی، ۱۳۸۳). سیاست‌نامه‌ها به‌طور کلی در تداوم اندیشه سیاسی ایرانی تدوین شده و در واقع، اندیشه‌ای بوده‌اند که در رویارویی با جریان عمده اندیشه سیاسی امپراتوری اسلامی، یعنی شریعت‌نامه‌ها، قابل درک هستند (طباطبایی، ۱۳۸۲). به‌نظر طباطبایی، غرض اصلی از سیاست‌نامه‌نویسی، توضیح روابط قدرت با هدف حفظ آن است (طباطبایی، ۱۳۷۴). سیاست‌نامه‌ها در قالب‌های گوناگون، سرشت خاصی دارند و آن، مصلحت‌گرایی سیاسی برای حفظ وضع موجود است. در واقع، پس از دوره میانه، سیاست‌نامه، جریان عمده، نیرومند، و غالب اندیشه‌ورزی در تاریخ ایران بوده است و در همان حال، تداوم این سنت از ایران پیش از اسلام موجب شده است که کمتر اندیشمند عربی به آن گرایش یابد.

د/وود فیرحی، در یکی از آثارش با عنوان «قدرت، دانش و مشروعیت در اسلام»، در مقابل این دیدگاه سیدجواد طباطبایی که سیاست‌نامه‌ها را در تداوم اندیشه‌های ایرانشهری تحلیل می‌کند، دیدگاه دیگری دارد و آن‌ها را در چارچوب نظریه سلطنت اسلامی تحلیل می‌کند. فیرحی، سیاست‌نامه‌ها را منبع اندیشه دوره میانه تاریخ اسلام می‌داند که سلطنت اسلامی رایج شد و تأکید می‌کند که مفردات سیاست‌نامه‌ها را نه از گذر اندیشه ایرانشهری، بلکه به‌اعتبار منظومه عقلانیت دوره میانه باید فهمید. باوجوداین، او برای نظریه سلطنت اسلامی، سه ویژگی ذکر می‌کند که این سه ویژگی در سیاست‌نامه‌ها هم — که به‌گفته طباطبایی، تداوم اندیشه ایرانشهری هستند — دیده می‌شود. این ویژگی‌ها عبارتند از: «زور و تغلب» که برحسب آن، شالوده حکومت و قدرت، زور و تغلب است؛ «حفظ شریعت»؛ و «تقدیرگرایی» که در اندیشه ایرانشهری هم دیده می‌شود. این اشتراک ویژگی‌ها اهمیت زیادی دارد و نشان می‌دهد که سیاست‌نامه‌ها، گذشته از اینکه در ادامه اندیشه ایرانشهری بوده باشند یا اینکه در چارچوب فلسفه و فقه مدنی اسلامی دوره میانه بررسی شوند، عناصر مشترک بسیاری دارند که در واقع، از یک‌سو، بیانگر تداوم

اندیشه ایرانی‌شهری در اندیشه اسلامی و ازسوی‌دیگر، نشان‌دهنده سازگاری آن با فقه مدنی اسلامی است (فیرحی، ۱۳۸۲).

اروین روزنتال، نخستین‌بار در سال ۱۹۵۸، در اثری با عنوان «اندیشه سیاسی اسلام در سده‌های میانه» به تقسیم‌بندی سه‌گانه فلسفه سیاسی، شریعت‌نامه‌نویسی، و اندرنامه‌نویسی (یا آئینه شاهی)، در حوزه اندیشه سیاسی اشاره کرد. وی ویژگی رهیافت نخست را تفکر عقلی، ویژگی رهیافت دوم را تکیه بر متون شریعت و نظریه خلافت، و ویژگی رهیافت سوم (همانند کلبله و دمنه ابن‌مقفع) را اندیشه حفظ قدرت می‌داند. روزنتال، اندرنامه‌نویسی را برخاسته از تفکر ایرانی می‌داند و آن را در مقابل فلسفه سیاسی که از تفکر فلسفی یونان اتخاذ شده است، قرار می‌دهد (روزنتال، ۱۳۸۷).

بررسی موردی این آثار و مواردی از این قبیل، نشان می‌دهد که این اندیشمندان، از سیاست‌نامه‌نویسان و تاریخ‌اندیشه سیاسی ایران، نوعی ارزیابی کلی داشته‌اند. روی‌هم‌رفته، با توجه به پیشینه مطرح‌شده، نوآوری این پژوهش، بررسی ساختار حکومت و اقتدار سیاسی زمانه در ترسیم و نگارش سیاست‌نامه‌نویسی در دوره میانه تاریخ ایران - فارغ از مباحث فلسفه سیاسی - است.

۲. چارچوب نظری پژوهش

در فلسفه علم از گذشته‌های دور، دو شیوه رقیب، یعنی زمینه‌گرایی و متن‌گرایی، برای مطالعه متون اندیشه‌ای، رایج بوده است. این دو، کوشش‌هایی بوده‌اند برای درک مفاهیم گنجانده‌شده در یک متن، که کاملاً از یکدیگر جدا بوده و فرایند طولانی خود را پیموده‌اند که از حوصله این نوشتار خارج است. هرمنوتیک مؤلف‌محور، در تقابل با هرمنوتیک متن‌محور، بعدها از بالندگی بیشتری برخوردار شد که طوسی آن، شاهد شکل‌گیری هرمنوتیک زمینه‌گرا هستیم که افزون‌بر توجه به نیت‌های مؤلف، به شرایط ساختاری گوناگونی که زمینه‌ساز شکل‌گیری یک متن می‌شوند نیز توجه می‌کند. به‌طورکلی، دسته‌بندی‌های گوناگونی برای هرمنوتیک ارائه شده است که مطابق با آخرین تقسیم‌بندی انجام‌شده براساس ماهیت و کارکرد علم هرمنوتیک، سه نوع هرمنوتیک که شامل هرمنوتیک روشی، هرمنوتیک فلسفی، و هرمنوتیک انتقادی

هستند^(۱)، از یکدیگر تمییز داده شده‌اند (منوچهری، ۱۳۸۰: ۱۰).

براساس با روش‌شناسی اسکینر، برای فهم اندیشه سیاسی یک اندیشمند، هم باید گفتمان سیاسی مسلط بر جامعه و زمانه وی را شناخت و هم قصد و نیت آن دانشمند را برای برقراری ارتباط در چنین گفتمانی دریافت. شناخت گفتمان سیاسی مسلط بر هر جامعه‌ای در هر دوره تاریخی، مستلزم شناخت عوامل فراوانی است که از اجزای تشکیل‌دهنده آن به‌شمار می‌آید. به‌نظر اسکینر، دانستن انگیزه و نیت‌های مؤلف، دانستن رابطه بین مؤلف و شرایطی است که در آن قرار گرفته است. فرض بنیادین اسکینر این است که هر نویسنده‌ای به‌طور طبیعی درگیر یک عمل ارتباطی قصدشده است و متن نیز تجسم همین عمل است (اسکینر، ۱۹۸۸: ۶۳).

براین‌اساس، اسکینر سه‌گونه تلاش را برای کشف نیت مؤلف ضروری می‌داند؛ نخست اینکه باید مشکلات و پرسش‌های سیاسی مطرح‌شده در آن دوره و نیز راه‌حل‌ها و پاسخ‌های ارائه‌شده به آن‌ها را دریافت، زیرا به‌نظر اسکینر، آثار و گفتار هر متفکر، پاسخی است به پرسش‌ها و مشکلات عصر خودش و ازاین‌رو، لازمه شناخت هر اثر سیاسی، شناخت پرسش‌ها و مشکلات رایج در آن عصر است. این مورد چیزی شبیه جامعه‌شناسی معرفتی کارل مانهایم یا دیدگاه مارکسیستی است که به تأثیر مشکلات اجتماعی بر شکل‌گیری آرا و اندیشه‌های متفکران می‌پردازد (تولی، ۱۳۸۸: ۶۷)؛ دوم اینکه باید زبان خاص آن دوره و معانی، مفاهیم، و گزاره‌های متداول آن را که هر نویسنده‌ای با استفاده از آن‌ها اقدام به نگارش می‌کند شناخت. گفتنی است، این عامل، یادآور گفتمان فوکویی و چیزی بیش از زبان به مفهوم لغوی و دستوری است و با عامل بعدی، ربط تنگاتنگی دارد و این دو در آثار و گفتار اسکینر به‌گونه‌ای جدایی‌ناپذیر و مرتبط با هم مطرح شده‌اند؛ سوم اینکه برای شناخت گفتمان سیاسی غالب در هر جامعه‌ای در یک دوره تاریخی مشخص، باید سنت، عرف، اصول، و قواعد مرسوم و مسلط بر استدلال‌های سیاسی حاکم بر آن دوره را شناسایی کرد^(۲). اسکینر در تلاش برای فهم معانی تاریخی متون، بر مفهوم هنجار یا قاعده، به‌ویژه هنجارها و قواعد دربرگیرنده اعمال زبانی پیچیده، متمرکز شده و به‌طور خاص، در جست‌وجوی پرسیدن پرسش‌هایی است درباره آنچه احتمالاً یک نویسنده در حال انجام آن بوده است. او در پاسخ به این پرسش، کلید دریافت واقعی متن را کشف نیت‌های مؤلف در تألیف آن

به‌شمار می‌آورد؛ بنابراین، باید گفت، در این روش، قصد و نیت مؤلف، مهم‌ترین مسئله‌ای است که پژوهشگر باید برای فهم آثار، تمام هم‌خود را بر کشف و درک آن قرار دهد که با قرار دادن متن در زمینه و چارچوب فکری، اجتماعی، و زبانی پیدایش آن می‌توان به معنای موردنظر مؤلف دست یافت (مرتضوی، ۱۳۸۶: ۱۸۶-۱۸۵).

براین اساس، با توجه به اینکه محور اصلی این پژوهش، مفهوم سیاست‌نامه‌نویسی متأثر از قدرت سیاسی دوره میانه ایران است، سعی کرده‌ایم، با مطالعه متن آثار سیاست‌نامه‌نویسان، به اندیشه و کنش آن‌ها پی ببریم. برای عملی کردن این موضوع، ناگزیر باید مشکلات و پرسش‌های مطرح‌شده در زمانه آن‌ها را که هدف آثارشان پاسخ‌گویی به آن‌ها بوده است، زمینه اجتماعی و سیاسی‌ای که در آن اندیشه‌ورزی کرده‌اند، و همچنین، چگونگی تأثیر اندیشه آن‌ها بر کنش‌هایشان را بشناسیم.

۳. روش پژوهش

پژوهش حاضر که با هدف بررسی تأثیر قدرت سیاسی بر سیر تحول سیاست‌نامه‌نویسی ایرانی از قرن پنجم تا فروپاشی صفویه نگاشته شده است، در پی این است که در چارچوب هرمنوتیک روشی و به‌گونه‌ای دقیق‌تر، هرمنوتیک روشی اسکینر — که مؤلف‌محور است — تأثیر قدرت سیاسی دوره موردبحث را بر اندیشه و کنش سیاست‌نامه‌نویسان این دوره، تجزیه و تحلیل کند.

۴. سیاست‌نامه‌نویسی در ایران پس از قرن پنجم

هدف نوشتار حاضر، واکاوی اندیشه سیاسی ایران دوره اسلامی از سده پنجم به‌این‌سو، در چارچوب مراجعه به سیاست‌نامه‌های این دوران و بررسی نقش قدرت سیاسی در تحول این حوزه از نگارش اندیشه سیاسی است. با توجه به تنوع متون موجود در این حوزه، نگارندگان این نوشتار، ناگزیر از گزینش پاره‌ای از آثار سرآمد دوره مورد مطالعه بوده‌اند؛ در نتیجه، در ادامه، سه اثر «سیاست‌نامه خواجه نظام‌الملک طوسی» در عصر سلجوقیان، «اخلاق محسنی»، «واعظ کاشفی» در عصر تیموریان، و در نهایت، «روضه‌الانوار عباسی»، محمدباقر بن محمد مؤمن سبزواری در عصر صفویه را بررسی خواهیم کرد.

۴-۱. عصر سلجوقیان: سیاست‌نامه خواجه نظام

هدف ما در این بخش، بررسی زندگی خواجه نظام‌الملک نیست، بلکه در پی بررسی مشهورترین کتاب خواجه، یعنی «سیاست‌نامه» از منظر نظریه‌اسکینر و تحلیل گفتمان با توجه به پیوند قدرت سیاسی و تحول در سیاست‌نامه‌نویسی هستیم؛ کتابی که مؤلف آن، نخستین نماینده بزرگ سیاست‌نامه‌نویسی در دوران اسلامی به‌شمار می‌آید (طباطبایی، ۱۳۶۷: ۱۹). در واقع، تجربه عملی خواجه از وزارت در دربار سلجوقی، زمینه نوشتن این گونه از نگارش را فراهم کرده بود. بنابراین، نخستین اثر موردبررسی که همانا مهم‌ترین سیاست‌نامه در تاریخ ایران نیز به‌شمار می‌آید سیاست‌نامه خواجه نظام‌الملک طوسی است که به‌عنوان اثری کلیدی در عصر سلجوقیان نگاشته شده و به معتبرترین اثر سیاسی در تمام این دوران تبدیل شد. در این بخش، این کتاب و نقش و تأثیر قدرت سیاسی بر آن را براساس چارچوب نظری نوشتار، موردخوانش و بررسی قرار خواهیم داد.

۴-۱-۱. بستر و اوضاع سیاسی عصر سلجوقیان در طرح حکومت‌مندی سیاست‌نامه نظام‌الملک

برای درک نظام معنایی خواجه نظام‌الملک باید ابتدا بر مبنای گام نخست هرمنوتیک اسکینر به شرایط و اوضاع زمان خواجه اشاره کرد. این عمل به این سبب اهمیت دارد که امکان دستیابی به مرحله دوم، یا به عبارتی فهم و تفسیر اندیشه‌های خواجه، را فراهم می‌کند.

نخست، ساختار قبیله‌ای حکومت سلجوقیان، موضوعی کلیدی است. خواجه در دوران صدارت خود برای طراحی ساختار اداری متناسب با عظمت امپراتوری سلجوقیان و غلبه بر هرج و مرج سیاسی تلاش کرد، اما سلجوقیان به دلیل خاستگاه قبیله‌ای، پذیرای قواعد نظام‌مند نبودند و از آنجاکه امپراتوری را ملک‌طلق کل خاندان، به‌مثابه اتحادیه قبیله‌ای، می‌دانستند، نوعی حکومت ملوک‌الطوایفی ناسازگار با تمرکز قدرت درپیش گرفته بودند (حاج‌بابایی و شهبندی، ۱۳۹۱: ۶۶). این امر، از دید خواجه، عامل زوال حکومت و تضعیف حاکم بوده و آسیب جدی‌ای برای سلاجقه به‌شمار می‌آمد، زیرا این مشی و روند با ساختار اجتماعی و سیاسی ایران سازگاری نداشت و تداوم آن به نابودی سلطنت می‌انجامید.

افزون‌براین، تلاش‌ها و دخالت‌های زنان و برخی اطرافیان درباری در امور مملکت‌داری، نه تنها تهدیدی برای وزارت خود خواجه بود و موجب ترس او می‌شد، بلکه می‌توانست ساختار قدرت سیاسی کهن را به‌طور کلی از بین ببرد. در عین حال، به نظر خواجه نظام‌الملک، اسماعیلیان — که آنان را بدمذهبان، خارجی، مزدکی، قرمطی، بواطنه، گبری، رافضی، و شاعی نیز می‌خواند — چه به لحاظ اقدامات براندازانه و چه به لحاظ مسائل اعتقادی و اندیشه‌های کلامی، خود برای نظام سنت و نهادهای پاسدار آن، یعنی خلافت عباسیان و حکومت‌های پادشاهی و امیری، بسیار خطرآفرین بودند. در این دوران نیز اوج‌گیری اختلاف میان گروه‌های قبچاقی و قنقلی سپاه سلجوقی و ظلم و ستم آنان به مردم، باعث شد که خواجه از این واقعیت‌های موجود زمانه با عنوان «حادثه آسمانی» و «فتنه و آشوب» یاد کند که نتیجه آن‌ها، خارج شدن کارها و امور مملکت از نظم و قاعده و حاکم شدن هرج و مرج در جامعه بود (زرگری‌نژاد و فروزش، ۱۳۸۶: ۱۱۴). همه این موارد که خواجه به ترتیب برمی‌شمارد، در برهم خوردن نظم و نظام قدرت سیاسی دوران، تمام آن چیزی است که وی به دید مشکلات موجود در بستر اجتماعی و سیاسی زمانه موردنقد قرار می‌دهد و در سیاست‌نامه، در تلاش است تا مسیری را که به شیوع این بی‌نظمی‌ها می‌انجامد، ببیند و راهی را بگشاید که بر پایه نظم سیاسی مستحکم ایرانی-اسلامی بر مبنای سلسله‌مراتبی از قدرت بنا شود.

در کنار این، یکی دیگر از بی‌نظمی‌های زمانه خواجه نظام، بحران مشروعیت سلجوقیان و نیز عدم شکل‌گیری بسترهای مشروعیت‌ساز برای آن‌ها بود (مسلمی، ۱۳۹۶: ۱۸۲). این امر، زمینه را برای دگردیسی در اندیشه سیاسی این دوران، در راستای بهره‌گیری خواجه از مبانی مشروعیت حاکم بر اندیشه ایرانی‌شهری به‌منظور رسیدن به مشروعیت‌سازی برای حاکمان سلجوقی فراهم کرد. مسئله دیگر نیز به موضوع نزاع قدرت نظامی در این حکومت مربوط می‌شد (جعفریان و کمالی، ۱۳۹۲: ۴۷)، به این ترتیب که دولت سلجوقی به دلیل شکل‌گیری آن بر بستری از نظامی‌گری درونی، برای تثبیت قدرت سیاسی خود، نه تنها با تهاجم نظامی یا مقابله با خارج، بلکه با آشفتگی نظامی داخلی نیز روبه‌رو بود. افزون‌براین، یکی دیگر از واقعیت‌های دوران زندگی خواجه، پیوند کامل قدرت سیاسی و جریان علم است که در تولید و بازتولید

یکدیگر نقش اساسی ای ایفا کرده‌اند؛ به گونه‌ای که قدرت سیاسی برای تقویت مشروعیت خود و نیز به سبب اهمیت علم و دانش، به نشر و توسعه آن پرداخته و دانش نیز خود را وام‌دار قدرت سیاسی و مشروعیت‌بخشی به آن دیده است (خلعتبری و دلیر، ۱۳۸۸: ۲۱). به این ترتیب، سیاست‌نامه‌ی خواجه به فرمان ملک‌شاه و به طور کامل در خدمت قدرت و مشروعیت حاکم و در مسیر تحکیم مبانی این قدرت و نیز مشروعیت‌بخشی به آن با بهره‌گیری از نظام اندیشه ایرانی‌شهری فره ایزدی، نگاشته شده است.

۲-۱-۴. گفتمان‌سازی در حوزه طرح حکومت

برای فهم و تفسیر اندیشه‌های خواجه و تأثیر آن بر کنش و عمل نمی‌توان انتظار داشت که در هزار سال پیش، همانند نهادگرایان یا روش‌های تحلیل سیستمی، ایران را به سوی آبادانی سوق دهد. همین‌که ده قرن پیش، شیوه‌ای از حکومت‌مندی را طراحی و اجرا کرد که در نوع خود تا آن دوره خردمندانه‌ترین، مصلحت‌گراترین، و واقع‌گراترین شیوه حکمرانی بود، ارزش بررسی و نقد تاریخ اندیشه سیاسی دارد (زرگری‌نژاد و فروزش، ۱۳۸۶: ۱۱۲). از شواهد تاریخی چنین برمی‌آید که خواجه نظام‌الملک به منظور مهار امور و تحت نظارت درآوردن خودسری و زیاده‌خواهی سلاطین و عمال سلجوقی از یک سو، و مقابله با اسماعیلیان از سوی دیگر، درصدد برآمد که تمام تلاش خود را معطوف به تمرکز قدرت سلجوقیان کند. وی برای دستیابی به این هدف، حتی سعی کرد در سیاست‌نامه به نهاد خلافت و نهادهای دیگر وابسته به آن اشاره نکند. خواجه حتی از ارتباط بین خلیفه و سلطان نیز سخنی نمی‌گوید و تنها گاهی، به طور عام، به خلفا اشاره می‌کند، یا برای توضیح مسئله مورد نظر خود، نکته‌هایی از سیرت برخی از آن‌ها می‌آورد. بر این اساس، او تمام کتاب را به نهاد پادشاهی و سلطنت، و ترویج آن اختصاص می‌دهد (زرگری‌نژاد و فروزش، ۱۳۸۶: ۱۱۱).

راه‌حل مورد نظر خواجه برای گذار از بحران‌های پیشین، ایجاد دولت بر نهادهای اخلاقی و بستری باستانی، حول شخصیت سلطانی با فره ایزدی بود. نظام‌الملک بر این نظر بود که دولت، نهادی اخلاقی است و وظیفه آن، تأمین خوبی‌ها برای دولت و ملت است. او دستیابی به منافع مادی و دنیوی‌ای مانند سعادت، رفاه، و برابری را

هدف دولت اسلامی می‌دانست و بر همین اساس، در دستگاه حکومتی توانست به ایده‌های اسلامی خود جامه عمل بپوشاند (غزالی، ۱۳۸۵: ۱۴۶)؛ به این ترتیب که با بهره‌گیری از رویکرد دینی سنی محور و شریعت‌پندارش، بر این نظر بود که پادشاه باید بر پایه ویژگی‌های نیکویی که اسلام و شریعت مشخص کرده است و بر بستر حکمرانی ایران باستان، حکمرانی کند؛ بنابراین، دولت و حکومت مطلوب خواجه، آمیخته‌ای از فهم شریعت محور او از دین و باورش به حکومت ایران باستان است.

در عین حال، یادآوری‌های پیاپی خواجه نظام‌الملک در مورد رسم ملکان عجم خطاب به پادشاه عصر خویش، توجه دادن شاه، و قرار دادن نقش محوری برای وی است؛ البته خواجه در مقام وزارت، ناگزیر است در این اشاره‌ها به گونه‌ای سخن بگوید که کلام او سبب رنجش شاه نشود (نظام‌الملک طوسی، ۱۳۷۱: ۲۹۲)؛ در نتیجه، تحلیل سیاسی وی بر شالوده رأس هرم تولید و توزیع قدرت سیاسی، یعنی پادشاه، انجام می‌شود (زرگری‌نژاد و فروزش، ۱۳۸۶: ۱۱۶). بر این اساس، هر چند پادشاه یا سلطان از فره ایزدی برخوردار است و بالاتر از تأیید دیگران قرار دارد و به‌طور مستقیم از نور فیض الهی برای حکمرانی بهره می‌برد، اما خواجه، پادشاه عادل را بدون وزیر کاردان، چندان موفق و توانمند در رتق و فتق امور نمی‌داند.

مفهوم مهم و کلیدی راه‌حل مورد نظر خواجه برای بحران‌های یادشده، «عدالت» است. عدالت در نگاه نظام‌الملک، در شعاع احسان و نیکی‌ای قرار می‌گیرد که حاکم به رعیت دارد و از ویژگی‌های خوب او به‌شمار می‌آید و کلیدواژه مهم اندیشه سیاسی اوست. رابطه پادشاه و مردم از منظر گفتمانی، بر مبنای خوانش پایین به بالا و انتظار پاسخ‌گویی شاه به مردم نیست، بلکه به‌استناد واقعیت زمانه نگارش سیاست‌نامه، به شکل بالا به پایین و تحمیلی است. در این نظم گفتمانی، شاه دارای قدرت هژمون در اعمال عدالت مورد نظر خود بر جامعه است و جامعه نیز حق پرسش ندارد، زیرا شاه با فره ایزدی خود، صلاح جامعه را بهتر از آن‌ها می‌داند.

بر اساس این دیدگاه، فره ایزدی شاه، عدالت او، و راه‌حل سیاسی به‌بار نمی‌نشیند، مگر در سایه امنیت جامعه. خواجه، امنیت جامعه را در سایه حاکم می‌بیند که او را بی‌شک ایزد تعالی برگزیده است و در مورد وظایفش چنین بیان می‌کند: «... و مصالح جهان و آرام بندگان را بدو باز بندد و در فساد و آشوب و فتنه

را بدو بسته گرداند...». در نظامی که متکی به اراده فردی است، امنیت، قائم به شخص است نه قانون و مردم، و حاکم، مظهر امنیت است (هدایتی، ۱۳۸۷: ۲۲۵).

۲-۴. عصر تیموریان: اخلاق محسنی و اعظ کاشفی

مهم‌ترین اثر واعظ کاشفی، از منظر این نوشتار، «اخلاق محسنی جواهرالاسرار» است که محور اصلی مباحث مطرح‌شده در آن، اصول اخلاقی و کشورداری است. برخلاف سیاست‌نامه خواجه نظام‌الملک که در آن، بعد ایران‌شاهی بر رویکرد اسلامی مسلط است، در اخلاق محسنی و سیاست‌نامه‌های پس‌از آن، شاهد غلبه رویکرد فقهی-مذهبی و نیز شریعت‌بنیاد هستیم. با توجه به اینکه خود نویسنده نیز خطیب و امام جماعت بوده و کلاس‌های درس دینی را اداره می‌کرد، این چرخش برجسته‌تر می‌شود؛ البته، نمی‌توان این اثر و نگارنده آن را یک نظریه‌پرداز ناب سیاسی (مطابق با مدل اسکینر) در نظر گرفت، اما می‌توان آن را خوانشی گفتمانی از مفصل‌بندی مفاهیم غالب در آن دوران، حول مشروعیت حکمرانی، به‌شمار آورد.

۱-۲-۴. بسترهای سیاسی و وضعیت مطلوب گفتمانی در سیاست‌نامه واعظ کاشفی

در دوره حکومت تیموریان، بحران‌های گوناگونی رخ داد که ناشی از کشمکش‌های نظامی، سیاسی، و سرزمینی بود. افزون‌بر از دست رفتن بخش‌هایی از ایران‌زمین که در دوران ابتدایی حکومت تیموریان به‌دست آمده بود و نیز بحران‌هایی که در دوران حکومت تیموری برای کسب قدرت سیاسی رخ داد، بحران دیگری در این دوره به‌وقوع پیوست که همان اجحاف موجود در نظام مالیات‌گیری بود. این وضعیت تنها خاص دوره لشکرکشی‌های بی‌امان نبود، بلکه حتی زمانی که در نتیجه سلطنت‌های طولانی (برای نمونه، در دوره شاه‌رخ، ابوسعید، و حسین بایقرا در مقایسه با دوره متقدم و میانی تیموری) نوعی ثبات کلی در امور به‌چشم می‌خورد، تداوم داشت؛ شرایطی که فشار شدیدی را بر مردم، به‌ویژه طیف‌های حاشیه‌ای و کشاورز، تحمیل کرده بود (کمبریچ، ۱۳۸۲: ۱۴۱). افزون‌بر این، یکی از اختلاف‌های مهم شیوه حکومتی تیمور با بازماندگانش، نحوه واگذاری اقطاع بود که نه تنها قدرت حاکمان و امیران لشکری را افزایش داد، بلکه موجب فقر و نابسامانی اجتماعی و تضعیف قدرت فرمانروایان تیموری و زوال این خاندان هم شد. به‌رحال، در این بستر بود که واعظ کاشفی و طرح سیاست‌نامه اخلاق

محسنی، زمینه ظهور یافت. با توجه به اینکه کاشفی در دستگاه تیموریان با حکم ابوسعید تیموری، مقام قاضی القضاات شریعت در منطقه بیهق را داشت (نظامی باخرزی، ۱۳۵۷: ۴۳) و بعدها نیز در هرات، دارای روابط نزدیک و گرمی با درباریان بود، با مبانی سیاست و حکومت و چالش‌های آن در زمانه خود به‌خوبی آشنایی داشت؛ در نتیجه، تشخیص درد در اخلاق محسنی (با توجه به آنچه در مورد بستر زمانه زیست نویسنده و نگارش اثر آمد) را می‌توان به تحولات ناشی از زمینه‌یابی برای به‌سلطنت رسیدن ولیعهد به‌جای سلطان حسین مربوط دانست که این تحول نیز در معرض تهدید ناشی از بحران‌های داخلی و خارجی قرار داشت (تاجیک نشاطیه، ۱۳۹۴: ۱۰۸).

۲-۴. تلاش برای گفتمان‌سازی در حوزه طرح حکومت

کاشفی تلاش کرد، تصویری از صفت‌ها و ویژگی‌های بارز پادشاه ایدئال و عادل ترسیم کند که جمع شدن این صفت‌ها در شخص شاه، به لطف الهی و مقام ظل‌الهی او، در کنار مشاوره و مشورت و زرایش، باعث برقراری عدالت و جامعه ایدئال خواهد شد (میچل^۱، ۲۰۰۳: ۱۱۳). سیاست در اندیشه کاشفی به‌معنای تدبیر امور شخصی و جمعی است؛ آن‌گونه که او خود نوشته است: «سیاست در لغت، ضبط کردن است و بر نسق انتظام بداشتن». او در ادامه می‌نویسد: «سیاست دو نوع است؛ یکی سیاست نفس خود و دیگری سیاست غیرخود» (امینی‌زاده و رنجبر، ۱۳۹۶: ۲۱). کاشفی در مبحث صفت عدالت، به‌عنوان یکی از چهل صفت حاکم، برای رسیدن به جامعه اسلامی و حکومت پایدار و مطلوب از آنچه برای حفظ قدرت سلطان در مسیری اخلاقی، آن‌هم با کمترین تشتت و بیشترین اجماع، لازم است، سخن می‌گوید و هنگامی که به‌دنبال سخن حکما می‌رود نیز خوبی عدالت و فایده آن برای آبادانی مملکت را برمی‌گیرد و به نوعی تحریض فایده‌گرایانه که لازمه عصر وی است، دست می‌زند: «حکما فرموده‌اند: عدل، خوب‌ترین فضیلت است و ظلم، زشت‌ترین رذیلت. نتیجه عدل، بقای ملک و وسعت مملکت است و معموری خزائن و آبادانی قری و مدائن و ثمره ظلم، زوال مملکت است و خرابی ممالک» (کاشفی، ۱۹۲۲: ۳۸؛ تاجیک نشاطیه، ۱۳۹۴: ۱۱۳). او در اینجا و در ادامه سنت غالباً فقهی و شریعت‌بنیاد می‌گوید:

«یک ساعت عدل پادشاه در پله میزان طاعت، راجح تر است از عبادت شصت ساله، زیرا که نتیجه عبادت، جز به عامل نرسد و فایده عدل به خاص و عام و خرد و بزرگ وصل گردد» (کاشفی، ۱۹۲۲: ۲۸)؛ بنابراین، به نظر کاشفی، وجود حکومت، اصل است و چیزهای دیگر و وجود آنها، فرع بر حکومت است. بدون حکومت، نه تنها سامان جامعه به خطر می افتد و از هم می پاشد، بلکه ایمان مردم نیز در معرض تهدید قرار می گیرد؛ بنابراین، ایمان جامعه و دین آنها در گرو وجود حکومت است.

در همین مورد و در چارچوب نسبتی که کاشفی میان مشروعیت سیاسی، یعنی قدرت و اقتدار حاکم و دین، برقرار می کند، ویژگی همگرایی پرسابقه دین و دولت در دستگاه تفکر سیاسی ایرانی را در کار خود با بهره گیری از عبارت معروف «الملک و الدین توأمان» برجسته کرده و از این نکته دفاع می کند (تاجیک نشاطیه، ۱۳۹۴: ۱۱۲) که پادشاه، کسی است که قانون الهی را به قدرت و شوکت خود محافظت می کند (کاشفی، ۱۹۲۲: ۶).

۳-۴. عصر صفویه: روضه الانوار عباسی محمدباقر بن محمد مؤمن سبزواری

محقق سبزواری، یکی از مفاخر بزرگ فرهنگ، تمدن، و اندیشه سیاسی در قرن یازدهم هجری و معاصر چهار پادشاه صفوی، به ویژه شاه عباس دوم، است که کتاب ارزشمند «روضه الانوار عباسی» را با نحلّه فقه سیاسی و سیاست نامه نویسی نگاشته است (اخوان کاظمی، ۱۳۸۵: ۱۶۰). می توان گفت، در این اثر، تنها با اندرزگویی یا توصیه نامه اخلاقی برای شخص پادشاه روبه رو نیستیم، بلکه نویسنده در صدد طرح ریزی نظامی فلسفی درباره حکومت داری است. اگرچه او غالباً مباحث فلسفی پیشین را تکرار کرده است، اما ترتیب مباحث و ایجاد زمینه هایی از نوآوری در آن کاملاً مشهود است.

۱-۳-۴. زمینه های سیاسی و نقش آن در ارائه الگوی حکومت مندی سبزواری

به لحاظ زمینه سیاسی، به رغم جنگ های فراوان داخلی و خارجی، این دوره را می توان از نظر سیاسی و اجتماعی، یکی از بهترین ادوار تاریخ دوره اسلامی ایران به شمار آورد. تشکیل حکومت مرکزی، نخستین و مهم ترین ویژگی این دوران در قیاس با دوره های پیشین است. ثبات و اقتدار حکومت، امنیت را برای مردم به همراه

آورد و به تدریج، کسب‌وکار رونق گرفت و وضع معیشتی مردم بسامان شد (لک‌زایی، ۱۳۸۰: ۸۲). در نتیجه شکل‌گیری حکومت صفویه در ایران، زمینه شناسایی رسمی مذهب تشیع فراهم شد و در پی آن، این حکومت به مکتب امامت، بعد سیاسی بخشید که در نوزایی حقیقی ایران در عهد شاه عباس اول، سهمی به‌عهده داشت (استیرلن، ۱۳۷۷: ۲۵). همین عامل، زمینه را برای بالندگی فکری در نگرش عمیق به حکومت و سیاست منطبق بر مبانی دینی، به‌ویژه اندیشه تشیع، فراهم کرد؛ امری که بر سراسر اندیشه پس از خود در زمینه سیاست‌نامه‌نویسی، پرتو کامل افکنده بود. افزون‌براین، ساختار اجتماعی و سیاسی دوران صفویه، به‌شکل هرمی بود و تمرکز قدرت در ساختار حاکمیت مطلق شاهی، نشان‌دهنده تداوم سنت شاه مرکزی در اندیشه سیاسی ایران است که اینک، رنگ‌وبوی مذهبی گرفته بود. همچنین، ساختار سیاسی عصر صفویه، قبیله‌ای هم بود و در آن افراد، برای کسب جایگاه برتر با یکدیگر رقابت داشتند؛ به‌گونه‌ای که بوروکراسی، تحت تأثیر ساختار قبیله‌ای حکومت قرار داشت (لک‌زایی، ۱۳۸۰: ۶۳).

البته به‌رغم وضعیت باشکوه و ساختار قدرت در این دوره، مسائل و مشکلاتی نیز وجود داشت که زمینه‌ساز شکل‌گیری و تدوین سیاست‌نامه و ظهور سیاست‌نامه‌نویسان شد. یکی از مهم‌ترین این مسائل، مخالفت با حاکمیت و جدال بر سر تصاحب قدرت بود. اعلام حاکمیت شیعه نیز باعث مخالفت‌ها و تنش‌های فراوانی در غرب و شرق کشور شده بود. در عین حال، جنگ‌های خارجی نیز مزید بر علت شدند. افزون‌براین، فساد سازمان حکومتی، جایگاه اوباش در مقام‌های دولتی، غارتگری حاکمان شهرها، و لخرجی‌های هنگفت شاهان، مالیات‌های کمرشکن، سقوط بازرگانی خارجی، و... که از دوران شاه صفی به‌بعد آغاز شده بود، امپراتوری و حکومت صفویه را برخی مواقع با مشکلات عمده‌ای روبه‌رو کرده بود (شاملوئی، ۱۳۷۴: ۶۵۶). این عوامل در کنار هم باعث افول قدرت صفویه و نیز از دست رفتن بخش‌هایی از خاک امپراتوری و همچنین، سبب‌ساز نگرانی اهل اندیشه شد؛ آن‌ها در سیاست و حکمرانی ایران، کاستی‌هایی می‌دیدند که سبب افول و زوال قدرت می‌شد. در این وضعیت، در نبود وزیر کاردانی که سیاست‌نامه‌نویسان پیشین بر اهمیت وجود او تأکید داشتند و نیز، در شرایطی که پادشاه از ویژگی‌های

حکمرانی بسیار دور شده بود، بستر زمانه برای ایجاد نظام گفتمان خاصی فراهم شد که سبزواری در اثر خود، به تنظیم آن برمبنای آنچه پیشتر از الگوی حکمرانی اسلامی و تاحدودی ایرانی شکل گرفته بود، پرداخت.

۲-۳-۴. گفتمان‌سازی در حوزه طرح حکومت

فهم نظم گفتمانی در وضعیت مطلوب آن از نظر محقق سبزواری، به منشأ تشکیل اجتماع، یعنی نیازهای اقتصادی و نیز برداشت او از سلطنت وابسته است. وی بر این نظر است که انسان در معاش، نیازمند اجتماع است و این اجتماع را در عرف علما و حکما، تمدن گویند، اما منشأ ضرورت تشکیل دولت را ایجاد امنیت و جلوگیری از پایمال شدن حقوق هم‌نوعان توسط هم‌نوعان می‌داند (اخوان کاظمی، ۱۳۸۵: ۱۶۵)؛ بنابراین، به نظر سبزواری، امنیت، عامل محرک شکل‌گیری نظم در دولت و در نتیجه، اصل یا دال گفتمانی در این نظم است و مؤلفه‌های دیگر شکل‌دهنده نیز دال‌های شناور حول محور دولت هستند.

به نظر او، جامعه ایدئال، برمبنای نوع سلطنت در آن، قابل‌صورت‌بندی است. وی حکومت را در قالب پادشاهی، در دو دسته تقسیم‌بندی می‌کند: دسته نخست، سلطنت فاضله «که بنای سیر و اطوار ملک بر قواعد عقل و مناهج شرع بوده، از سلوک منهج توسط و اعتدال، که موافق میزان عدل است، قدم بیرون نگذارد. و غرض از آن، تکمیل نفس خود و دیگران باشد؛ دسته دوم، سلطنت ناقصه که آن را سلطنت تغلبی خوانند و «غرض از آن، آن باشد که به جور و تعدی و پیروی هوا و هوس و دعاوی نفسانی و تحریکات شیطانی، خلق را در تحت بندگی خود درآورده، قوا و آلات ایشان را در مصارف آرزوهای شهوانی و غضبی خود صرف نمایند و در جور و تعدی و ستم بر خلق، بی‌باک باشند» (اخوان کاظمی، ۱۳۸۵: ۱۶۵).

وی از همین چارچوب چهارگانه تقسیم‌بندی، برای صورت‌دهی به یک جامعه ایدئال مبتنی بر تعادل و تعامل، ذیل اقتدار سلطنت فاضله، بهره می‌گیرد؛ بنابراین، می‌توان گفت، جامعه ایدئال از نظر سبزواری، جامعه‌ای است که تحت سلطنت فاضله قرار گیرد. سلطنت فاضله نیز نوعی اداره ارگانیک امور براساس الگوی هگلی است که دولت همه‌چیز را تحت پوشش قرار می‌دهد؛ به این معنا که بیرون از دامنه

اقتدار دولت، جامعه‌ای قابل‌تصور نیست؛ بنابراین، او از منظر قدرت به جامعه می‌نگرد؛ در نتیجه، سیاست و جامعه به‌معنای وجود حکومت بر آن است.

راه‌حل موردنظر محقق سبزواری در تمام بخش‌های کتابش مبتنی بر درهم‌آمیزی مشروعیت سلطنت با شریعت اسلامی در چارچوب شخص پادشاه بر محور امنیت است. او سعی بلیغی دارد تا شاه را به رفتار درست رهنمون سازد و اگر جایی مطلب به‌گونه‌ای باشد که ممکن است واکنش ناصوابی بر آن مترتب شود، از زبان تمثیل و حکایت استفاده می‌کند؛ چنان‌که به دیگران نیز سفارش می‌کند که حقایق را به گوش پادشاه برسانند. به‌اعتقاد محقق سبزواری، خداوند، که خالق انسان است، دو جهان آفریده است: نخست، جهان ممت که جهانی است که اکنون در آن زندگی می‌کنیم؛ دوم، جهان حیات، که جهان آخرت است. دنیا، پلی است برای رفتن به سوی آخرت. غرض از آمدن آدمی به این جهان آن است که تحصیل زاد آخرت نماید و توشه آن جهان را از این جهان بردارد (محقق سبزواری، ۱۳۸۳: ۵۰۵).

درنهایت، او به این نتیجه می‌رسد که جامعه به پادشاه نیاز دارد و در راه‌حل او، حکومت پادشاهی، اساس و اصل است. پادشاه باید دارای صفاتی مانند بلندی همت، متانت رای، عزم قوی تمام، صبر بر سختی‌ها، یسار و وفور مال، برخوردار از لشکریان موافق، و نسب عالی باشد. وظایفی برای نیل پادشاه نیز در نظر می‌آورد که در صورت عمل به آن‌ها، مشکلات حکومت برطرف شده و جامعه، سیاست، و حکومت ایدئال شکل می‌گیرد که عبارتند از: عدالت و شرایط آن، چون رعایت مساوات، تقسیم عادلانه خیرات عامه، حفظ خیر عامه بر اهل مدینه، احسان، الزام به اکتساب فضایل، رازپوشی، و استمالت اعدا (محمدی فشارکی و صالحیان، ۱۳۹۲: ۲۲۰).

نتیجه‌گیری

در مجموع، چنان‌که از این نوشتار برمی‌آید (با کاربست روش هرمنوتیک اسکینر)، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که ناکارآمدی و عقب‌ماندگی ساختار نظام‌های حکومتی در دوران موردبحث، به‌این‌معنا بود که الگوی حکومت‌مندی متافیزیکی حاکم، قادر به پاسخ‌گویی نیازها و مقتضیات آن دوران نبوده است؛ ازاین‌رو، سیاست‌نامه‌نویسان سعی کرده‌اند با توجه به بستر سیاسی و اجتماعی آن دوره که

خودشان هم در ساختار نظام سیاسی حاکم حضور داشتند، تغییری در پارادایم اندیشه حاکم بر نظام سیاسی ایجاد کنند و شیوه جدیدی از سامان‌دهی امر سیاسی را جایگزین نمایند. البته الزامات زمانه نگارندگان و چرخش در غلبه اندیشه سیاسی اسلامی از تسنن به تشیع مبتنی بر شرع اسلامی، از خواجه نظام‌الملک به کاشفی و سبزواری در ایران پس از سده پنجم، که با تضعیف نهاد خلافت به نفع نهاد سلطنت نیز همراه بود، زمینه‌ساز تحول در شکل‌گیری سیاست‌نامه‌های موردبررسی شد و قدرت مستقر نیز در این تحول، نقش کلیدی‌ای داشت. در واقع، سلطنت‌های نیمه‌مستقلی که در سرزمین ایران در کنار خلافت اسلامی در بغداد در دوره میانه تاریخ ایران به وجود آمده‌اند، برای توجیه خود نیاز به اندیشه جدیدی داشتند که سیاست‌نامه می‌توانست این کارکرد را به خوبی انجام دهد. از دید تاریخی، سیاست‌نامه‌نویسی این برهه از تاریخ ایران، زاده شرایط سیاسی-اجتماعی دوره شکل‌گیری خود بود؛ از همین رو، یکی از ویژگی‌های بنیادین آن نیز توجیه‌گری سیاسی در درون بوده است. البته این، ویژگی کلی همه سنت‌های فکری-سیاسی نبوده است، ولی روی هم رفته، سیاست‌نامه‌های این عصر در خدمت قدرت سیاسی بوده‌اند. به عبارت روشن‌تر، در تاریخ میانه جوامع اسلامی در ایران، عمل سیاسی همواره بر اندیشه سیاسی برتری داشته است و نظام‌های سیاسی برای توجیه خود، نیازمند شالوده فکری و سیاسی بوده‌اند.

با توجه به شرایط زمانه خواجه نظام‌الملک و وضعیت سلطنت در این دوران و نیز منصب او به عنوان وزیر سلجوقیان، مشروعیت سیاسی حاکم از تلفیق اندیشه ایرانی‌شهری و نیز اعتقادات دینی وی با غلبه باستان‌گرایی برآمده است، اما، در دوران کاشفی و سبزواری، با توجه به اینکه آن‌ها دارای مناصب دینی بودند و اندیشه دینی در مشروعیت‌دهی به حاکم بر اندیشه سیاسی ایرانی‌شهری‌شان غلبه داشته است، مبنای مشروعیت حاکم، بیش از آنکه از مبانی اندیشه ایران باستانی برآید، از معرفت دینی اتخاذ شده است، اما اسلوب و روش نگارش، همان است که در سده‌های گذشته و نیز روال سیاست‌نامه‌نویسی ایرانی وجود داشته است.*

منابع

- اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۸۵)، «امنیت و راهکارهای تأمین آن در اندیشه محقق سبزواری»، پژوهشنامه علوم سیاسی، شماره ۴.
- امینی‌زاده، علی؛ رنجبر، محمدعلی (۱۳۹۶)، «واکاوی اندیشه سیاسی‌مذهبی واعظ کاشفی»، فصلنامه پژوهش‌های تاریخی، سال پنجاه‌وسوم، دوره جدید، سال نهم، شماره چهارم، پیاپی ۳۶.
- استیرلن، هانری (۱۳۷۷)، *اصفهان، تصویری از بهشت*، ترجمه جمشید ارجمند، تهران: نشر تندیس نقره‌ای.
- بهرادی، مرضیه (۱۳۹۵)، «اندیشه‌های سیاسی خواجه نظام‌الملک طوسی»، فصلنامه جندی‌شاپور دانشگاه شهید چمران اهواز، سال دوم، شماره ۶.
- تاجیک نشاطیه، نرگس (۱۳۹۴)، «خوانش تفسیری اخلاق محسنی به‌مثابه اندرنامه سیاسی عصر تیموری»، فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، دوره هفتم، شماره ۳، پیاپی ۲۷.
- جعفریان، رسول؛ کمالی، مریم (۱۳۹۲)، «نزاع قدرت در حکومت سلجوقی به روایت سلجوقنامه ظهیرالدین نیشابوری»، فصلنامه پژوهش‌های علوم تاریخی، دوره ۵، شماره ۲.
- حاج‌بابایی، محمدرضا؛ شهبندی، محمود (۱۳۹۱)، «ابعاد فساد از دیدگاه خواجه نظام‌الملک توسی»، فصلنامه سیاست، دوره ۴۲، شماره ۲.
- خواجه نظام‌الملک طوسی (۱۳۷۲)، *سیرالملوک*، به‌اهتمام هیبرت دارک، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم.
- خلعتبری، اللهیار؛ دلیر، نیره (۱۳۸۸)، «اندیشه ایرانشهری و خواجه نظام‌الملک»، پژوهشنامه انجمن ایرانی تاریخ، سال اول، شماره ۲.
- رجایی، فرهنگ (۱۳۷۳)، *معرکه جهان‌بینی‌ها*، تهران: شرکت انتشارات احیا، چاپ اول.
- روزنتال، اروین جی (۱۳۸۷)، *اندیشه سیاسی اسلام در سده‌های میانه*، ترجمه علی اردستانی، تهران: نشر قومس، چاپ اول.
- زرگری‌نژاد، غلامحسین؛ فروزش، سینا (۱۳۸۶)، «نقش اندیشه سیاسی نظام‌الملک در تمرکز قدرت ترکان سلجوقی»، مسکویه، دانشگاه آزاد واحد ری، شماره ۸.
- شاملوئی، حبیب‌الله (۱۳۷۴)، *تاریخ ایران؛ از ماد تا پهلوی*، تهران: صفی‌علیشاه.
- طباطبایی، جواد (۱۳۸۳)، *درآمدی فلسفی بر تاریخ اندیشه سیاسی در ایران*، تهران: کویر، چاپ دوم.
- _____ (۱۳۸۲)، *زوال اندیشه سیاسی*، تهران: کویر، چاپ سوم.
- _____ (۱۳۷۴)، *ابن خلدون و علوم اجتماعی*، تهران: طرح نو، چاپ اول.

- غزالی، عیدیت (۱۳۸۵)، «اندیشه‌های اقتصادی نظام‌الملک طوسی»، برگرفته از کتاب: عقاید اقتصادی اندیشمندان مسلمان، ترجمه احمد شبیانی، تهران: دانشگاه امام صادق، چاپ اول. فیرحی، داوود (۱۳۸۲)، قدرت، دانش و مشروعیت در اسلام، تهران: نشر نی. کاشفی، حسین (۱۳۹۲)، اخلاق محسنی، تهران: چاپ سنگی. کوزنزهوی، دیوید (۱۳۸۷)، حلقه انتقادی، ترجمه مراد فرهادپور، تهران: روشنگران. کمبریج (دانشگاه) (۱۳۸۲)، تاریخ ایران، ترجمه یعقوب آژند، تهران: جامی، جلد ششم (دوره تیموریان).
- لکزایی، نجف (۱۳۸۰)، اندیشه سیاسی محقق سبزواری، قم: بوستان کتاب. لمبتون، آن (۱۳۹۲)، تاریخ میانه ایران، ترجمه یعقوب آژند، تهران: نشر نی، چاپ پنجم. محقق سبزواری، محمدباقر بن محمد مؤمن (۱۳۸۳)، روضه‌الأنوار عباسی (در اخلاق و شیوه کشورداری)، تصحیح اسماعیل چنگیزی اردهایی، تهران: انتشارات مرکز پژوهشی میراث مکتوب. محمدی فشارکی، محسن؛ صالحیان، طاهره (۱۳۹۲)، «روضه‌الأنوار عباسی، نظام‌نامه اخلاق حاکمان در عهد صفوی»، پژوهش‌نامه ادبیات تعلیمی (پژوهشنامه زبان و ادبیات فارسی)، دوره ۵، شماره ۱۹.
- مسلمی، شهناز (۱۳۹۶)، «بحران مشروعیت و جانشینی از دوره ملک‌شاه تا پایان دوره سلجوقیان (۴۶۵-۵۹۰ هـ.ق)»، تاریخ‌نامه خوارزمی، سال پنجم، شماره ۱۸. مرتضوی، سید خدایار (۱۳۸۶)، «تیین روش‌شناسی اندیشه سیاسی از منظر کوئنتین اسکینر»، پژوهشنامه علوم سیاسی، شماره ۱.
- منوچهری، عباس (۱۳۸۰)، هرمنوتیک، دانش و رهایی، تهران: بقعه. نظامی باخرزی، عبدالواسع (۱۳۵۷)، منشأ الانشاء، به اهتمام رکن‌الدین همایون فرخ، تهران: نشر دانشگاه ملی.
- هدایتی، ابوالفضل (۱۳۸۷)، «سلوک سیاسی نظام‌الملک»، مجله حکومت اسلامی، شماره ۱۳. یآوری، نگین (۱۳۹۷)، اندرز به سلطان: نصیحت و سیاست در اسلام قرون میانه، تهران: نشر تاریخ ایران، چاپ اول.
- یوسفی‌راد، مرتضی (۱۳۸۳)، «متدلوژی سیاست‌نامه‌نویسی»، فصلنامه علوم سیاسی، سال هفتم، شماره ۴، پیاپی ۲۸.
- _____ (۱۳۸۷)، «روش‌شناسی سیاست‌نامه‌نویسی»، در: داوود فیرحی، روش‌شناسی دانش سیاسی در تمدن اسلامی (مجموعه مقالات)، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- Mitchell, Colin Paul (2003), *To Preserve and Protect: Husayn Va'iz-i Kashifi and Perso-Islamic Chancellery Culture*, Iranian Studies, Taylor & Francis, Ltd, International Society of Iranian Studies.
- Tully, James (1988), *Meaning and Context, Quentin Skinner and His Critics*, New Jersey, Princeton University Press.
- Skinner, Q (1988), "Meaning and Understanding in the History of Ideas", in: James Tully, *Meaning and Context, Quentin Skinner and his Critics*, Princeton, Princeton University Press.